

Association between Maltreatment in Childhood and Emotional Divorce: Mediating Role of Attachment Styles, Early Maladaptive Schemas and Difficulty in Emotional Regulation

Akram al-Sadat Alavi Lavasani ^{1,*}, Mohsen Ahmadi Tahour Soltani ²

¹ MA, Psychology Department, Postgraduate Faculty, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Tehran, Iran

² Assistant Professor, Clinical Psychology Department, Faculty of Medicine, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

* **Corresponding author:** Akram al-Sadat Alavi Lavasani, MA, Psychology Department, Postgraduate Faculty, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Tehran, Iran. E-mail: a.alavi.1122@gmail.com

Received: 28 Aug 2017

Accepted: 26 Sep 2017

Abstract

Introduction: Emotional divorce is an abnormality in family system that transforms couples into marriages that lack love, companionship and friendship. The aim of this study is to determine the association between child maltreatment and emotional divorce by mediating roles of attachment styles, early maladaptive schemas and difficulties in emotion regulation.

Methods: This is a descriptive-correlational study. The statistical population consists of all married women and men in Tehran in 2016. 150 married couple (75 married women and 75 married men) who reside in Tehran in 2016 are selected by Purposive sampling method. The data is collected by "Young Schema Questionnaire Short Form", "Child Abuse and Trauma Scale", "Adult Attachment Scale", and "Difficulties in Emotion Regulation Scale" questionnaires. Collected data is analyzed using statistical methods (i.e. Pearson's correlation coefficient and path analysis) and SPSS.24 and LISREL analysis softwares.

Results: Results show a significant positive correlation between child maltreatment and disconnection/rejection schema domain ($P < 0.01$, $r = 0.394$, $B = 0.35$, $t = 4.04$). In addition, it reveals a positive correlation between this variable and emotional divorce via mediating role of early maladaptive schemas ($P < 0.01$, $r = 0.319$, $B = 0.154$, $P = 0.0007$). There is a positive correlation between child maltreatment and difficulties in emotion regulation through mediating role of early maladaptive schemas ($P < 0.01$, $r = 0.534$, $B = 0.175$, $P = 0.0001$). There is a positive correlation between insecure attachment styles and emotional divorce via mediating role of difficulties in emotion regulation ($P < 0.01$, $r = 0.261$, $B = 0.08$, $P = 0.02$). There is a positive correlation between difficulties in emotion regulation and emotional divorce ($P < 0.01$, $r = 0.478$, $B = 0.23$, $t = 2.71$). The model of present research was approved ($AGFI = 0.99$, $CFI = 0.96$, $NFI = 0.96$).

Conclusions: Child maltreatment is directly related to early maladaptive schemas and indirectly related to emotional divorce with mediating roles of early maladaptive schemas and difficulties in emotion regulation. Child maltreatment causes insecure attachment styles, early maladaptive schemas and difficulties in emotion regulation to be formed. Therefore, it is recommended that training programs could facilitate the prevention of interpersonal problems and marital dissatisfaction in families.

Keywords: Child Maltreatment, Emotional Divorce, Attachment Styles, Early Maladaptive Schemas, Difficulties in Emotion Regulation

همبستگی بدر رفتاری در کودکی با طلاق عاطفی: نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان

اکرم السادات علوی لواسانی^{۱*}، محسن احمدی ظهور سلطانی^۲

^۱ کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، دانشکده تحصیلات تکمیلی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، تهران، ایران
^۲ استادیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران
 * نویسنده مسئول: اکرم السادات علوی لواسانی، کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، دانشکده تحصیلات تکمیلی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل: a.alavi.1122@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۰۶

چکیده

مقدمه: طلاق عاطفی نوعی ناپهنجاری در نظام خانواده است که زندگی زوجین را به ازدواجی پوچ مبدل می‌سازد که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی است. هدف این پژوهش تعیین همبستگی بدر رفتاری در کودکی با طلاق عاطفی با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان است.

روش کار: روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این مطالعه در برگیرنده کلیه زنان و مردان متأهل شهر تهران است که از این میان تعداد ۱۵۰ نفر از افراد متأهل (۷۵ زن متأهل و ۷۵ مرد متأهل) در سال ۹۴-۹۵ به روش هدفمند انتخاب و در این پژوهش شرکت داشتند. ابزار گردآوری اطلاعات عبارت است از "پرسشنامه‌های فرم کوتاه طرحواره یانگ" (Young Schema Questionnaire Short Form)، "مقیاس سوءاستفاده و آسیب کودک" (Child Abuse and Trauma Scale)، "مقیاس دلبستگی بزرگسال" (Adult Attachment Scale)، "مقیاس طلاق عاطفی" (Emotional Divorce Scale) و "مقیاس دشواری در تنظیم هیجان" (Difficulties in Emotion Regulation Scale). تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزارهای اس پی اس اس نسخه ۲۴ و Lisrel انجام شد.

یافته‌ها: بین بدر رفتاری در کودکی با طرحواره‌های ناسازگار حیطه بریدگی و طرد همبستگی مثبت معنی دار وجود دارد ($P < 0/001$). بین این متغیر با طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه همبستگی مثبت وجود دارد ($P < 0/001$). بین بدر رفتاری در کودکی و دشواری در تنظیم هیجان با نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه همبستگی مثبت وجود دارد ($P < 0/001$). بین سبک دلبستگی ناایمن و طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای دشواری در تنظیم هیجان همبستگی مثبت وجود دارد ($P < 0/001$). بین دشواری در تنظیم هیجان و طلاق عاطفی همبستگی مثبت وجود دارد ($P < 0/001$). نتایج حاصل از آزمون‌های همبستگی و تحلیل مسیر به شرح زیر است: $r = 0/394$, $B = 0/04$, $t = 4/04$, $P < 0/001$; $r = 0/319$, $B = 0/154$, $t = 1/54$, $P = 0/007$; $r = 0/534$, $B = 0/175$, $t = 1/75$, $P = 0/001$; $r = 0/261$, $B = 0/08$, $t = 0/2$, $P = 0/02$; $r = 0/478$, $B = 0/23$, $t = 2/71$, $P = 0/008$; $r = 0/99$, $B = 0/96$, $t = 0/96$, $P = 0/001$.

نتیجه گیری: بدر رفتاری در کودکی به طور مستقیم با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و به طور غیر مستقیم با طلاق عاطفی به واسطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان رابطه دارد. بدر رفتاری در کودکی موجب شکل گیری دلبستگی ناایمن و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان که نقش موثری در تخریب روابط بین فردی ادارند، می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاه‌های آموزشی به خانواده‌ها در مورد نحوه رفتار با کودک و فرزندپروری، از بروز ارتباطات ناسالم بین فردی و نارضایتی زناشویی در آینده پیشگیری بعمل آید.

واژگان کلیدی: بدر رفتاری در کودکی، طلاق عاطفی، سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، دشواری در تنظیم هیجان

مقدمه

خانواده قدیمی‌ترین و عمومی‌ترین نهاد اجتماعی است که براساس ازدواج و پیوند بین یک مرد و یک زن بر اساس نوعی قرارداد شکل می‌گیرد و دارای کارکردهای متنوع فردی، اجتماعی، تربیتی، اقتصادی، فرهنگی و روانی و نهادی مؤثر بر جامعه و سلامت آن می‌باشد. روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است [۱]. ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده و قطب مقابل آن طلاق است که سبب اضمحلال آن می‌شود. طلاق‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: طلاق آشکار که در آن زوجین با مراجعه به دادگاه به طور رسمی از یکدیگر جدا می‌شوند؛ و طلاق پنهان که در این حالت زوجین بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند که به این نوع طلاق، طلاق خاموش و یا عاطفی نیز گفته می‌شود [۲]. طلاق عاطفی نوعی ناپهنجاری در نظام خانواده است که اگر چه به جدائی زوجین منجر نمی‌شود و بنا به دلایلی زن و شوهر همچنان در یک محیط و در زیر یک سقف در کنار هم به زندگی مشغولند، اما زندگی آن‌ها به ازدواجی پوچ تبدیل شده است که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی می‌باشد [۳]. در بررسی علل طلاق عاطفی افزون بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، به عوامل روانشناختی مؤثر در این زمینه ازجمله سبک‌های دلبستگی ناایمن، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان که می‌توانند از بدرفتاری در دوران کودکی نشأت بگیرند اشاره نمود. سابقه بدرفتاری در کودکی و تجربه‌های ناگوار کودکی در زمینه تحول و سازگاری شخصیت در دوران بزرگسالی آثار و پیامدهای دراز مدت و ناخوشایندی دارد [۴]. هنگامی که کودک مورد بدرفتاری به ویژه از سوی والدین قرار می‌گیرد این احساس در او ایجاد می‌شود که دنیا مکان امنی نیست و نمی‌توان به دیگران اعتماد کرد و نداشتن اطمینان و اعتماد در ایجاد یا تداوم ارتباط با دیگران اختلال ایجاد می‌کند و این بی‌اعتمادی نسبت به دیگران و دنیا موجب افسردگی وی می‌شود [۵]. از جمله متغیرهای دیگری که روی طلاق عاطفی و مشکلات زوجین تأثیر گذار می‌باشد، سبک دلبستگی است. دلبستگی در رابطه والد و کودک به رابطه عاشقانه بزرگسالی فرد انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار، شناخت و هیجانات، در هر زمانی از زندگی، از نوزادی تا بزرگسالی تأثیر بگذارد. دلبستگی در روابط به طور ارادی و داوطلبانه و یا به طور کامل قطع نمی‌شود و هر گونه خللی در یک رابطه دلبستگی دردناک است و موجب سوگواری در فرد می‌گردد [۶]. افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن هنگام تعامل با دیگران احساس ناامنی می‌کنند، به همین دلیل با دیگران روابطی بی‌ثبات، هیجانی و توأم با حسادت برقرار می‌کنند [۷]. براساس پژوهشی سبک‌های دلبستگی ناایمن با طلاق عاطفی و افسردگی و اضطراب بالا در زنان همراه بود [۷]. سایر علل فردی و روانشناختی از جمله طرحواره‌ها نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند [۸]. طرحواره مفهومی در روانشناسی شناختی است که به بررسی این نکته می‌پردازد که افراد چگونه می‌اندیشند، چگونه ادراک و پردازش می‌کنند و چگونه اطلاعات را به یاد می‌آورند [۹]. مطابق نظریه Young و همکاران، رشد طرحواره‌ها اغلب به دوران کودکی باز می‌گردد. طرحواره‌ها الگوها یا درون مایه‌های عمیق و فراگیری هستند که از خاطرات، هیجان‌ها،

شناخت‌واره‌ها و احساسات بدنی در دوران کودکی یا نوجوانی تشکیل شده‌اند و به شدت ناکارآمدند، درباره خود و در رابطه با دیگران هستند و در سیر زندگی تداوم دارند [۱۰]. همانطور که در بالا اشاره شد طرحواره‌ها به شدت از بدرفتاری در کودکی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و خود می‌توانند بر روی طلاق عاطفی تأثیر بگذارند. از عوامل تأثیر گذار دیگر که می‌تواند با بد رفتاری در کودکی و نیز طلاق عاطفی مرتبط باشد دشواری در تنظیم هیجان است. به باور Hofmann & Kashdan یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های انسان‌ها، توانایی تنظیم و سازگاری هیجان‌های آن‌ها متناسب با الزامات موقعیت‌های خاص است [۱۱]. دشواری در تنظیم هیجان به معنای بی‌نظمی احساسات بوده و بی‌نظمی احساسات نیز به نارسایی‌هایی در توانایی تجربه، ابراز و استفاده از احساسات اطلاق می‌شود. وقتی احساسات افراد دچار بی‌نظمی می‌شود آن‌ها احساس از دست دادن کنترل را گزارش داده و مستعد انجام و گفتن چیزهایی می‌شوند که در حالت عادی انجام نخواهند داد [۱۲]. از مشکلات کودکان آزاردیده، سرزنش خود [۱۳]، احساس گناه به خاطر حادثه رخ داده و مشکل در تنظیم هیجانات می‌باشد. این افراد نمی‌دانند در چه موقعیتی، چه حالت هیجانی نشان دهند. احساس وابستگی، ناخشنودی، کنترل کم خود، عواطف منفی زیاد، منفی بافی و نداشتن حس شوخ طبعی از دیگر مشکلات عاطفی این افراد است [۱۴]. افرادی که تنظیم هیجانی پایینی دارند در پیش بینی خواسته‌های دیگران توانایی کمتری دارند. آن‌ها فشارهای محیطی را درک نکرده و هیجان‌های خود را به خوبی مهار نمی‌کنند و در نتیجه آن در مقابل وقایع مقاومت کمتری نشان می‌دهند [۱۵]. نتایج مطالعات محمدی و همکاران [۱۶] نشان داد که کودکان آزار دیده نسبت به کودکان آزار ندیده در طرحواره‌های رها شدگی، آسیب پذیری، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، نقص/شرم، شکست، سلطه پذیری، فداکاری خودتحوّل نیافته، استحقاق/بزرگ منشی و خویشنداری ناکافی، نمره بالایی کسب کردند. نتایج بدست آمده در این مطالعه همسو با نتایج پژوهش‌های قبلی می‌باشد و بر اساس نتایج بدست آمده بین بدرفتاری در کودکی و طرحواره ناسازگاری حوزه بریدگی و طرد رابطه معنادار مثبت می‌باشد. آزاد بخت و وکیلی [۱۷] نیز در طی پژوهشی که به عمل آوردند نشان دادند که از بین ۵ حوزه طرحواره‌های ناسازگار اولیه فقط حوزه اول (بریدگی و طرد) رابطه منفی معنادار با رضایت زناشویی زنان متأهل دارد و سایر حوزه‌ها رابطه معنادار با رضایت زناشویی ندارند. حیدری و همکاران [۱۸] به بررسی رابطه بین دشواری در تنظیم هیجان، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی زوجین پرداختند. بررسی‌های آنان نشان داد که بین دشواری در تنظیم هیجان و رضایت زناشویی زوجین و بین سبک اجتنابی در رضایت زناشویی زوجین رابطه منفی معنادار وجود دارد. مطالعات به عمل آمده همسو با سایر پژوهش‌های پیشین می‌باشد و نشان می‌دهد دشواری در تنظیم هیجانات در عدم رضایت زناشویی مؤثر است. از این روی بین دشواری در تنظیم هیجان و طلاق عاطفی رابطه مثبت وجود دارد. بدرفتاری با کودک در دوران کودکی در شکل گیری سبک‌های دلبستگی ناایمن و طرحواره‌های ناسازگار اولیه تأثیر به سزایی در دوران کودکی و حتی بزرگسالی افراد دارد. با توجه به تأثیر

کل پرسشنامه ۰/۹۴ بدست آمد [۲۶، ۲۷]. پایایی عامل‌های این پرسشنامه توسط دیونداری و همکاران [۲۸] در یک نمونه ۵۱۳ نفری از دانشجویان با استفاده از روش بازآزمایی در دامنه‌ای بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۷ گزارش داده شده‌اند. همچنین همسانی درونی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۴ بدست آمده‌اند [۲۸، ۲۹].

به منظور سنجش بدرفتاری از مقیاس "پرسشنامه ضربه کودک" (Child Trauma Questionnaire) استفاده می‌شود. این پرسشنامه توسط Bernstein و همکاران [۳۰] ساخته شده است و در سال ۱۹۹۵ نسخه نهایی ۵۳ ماده‌ای آن ارائه شد. این مقیاس آزاردیدگی را در پنج زیر مقیاس اندازه گیری می‌نماید و یک نمره کلی به دست می‌دهد که مقیاس بدرفتاری کلی نامیده می‌شود. پنج زیر مقیاس این پرسشنامه شامل آزار عاطفی، آزار جسمی، آزار جنسی، غفلت عاطفی و غفلت جسمی می‌باشد. به منظور نمره گذاری ماده‌ها از یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت استفاده می‌شود. Bernstein و همکاران [۳۰] به نقل از میکائیلی و همکاران [۳۱] پایایی عوامل مختلف را با دو روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ بین ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند. شهنی ییلاق و همکاران [۳۲] نیز در پژوهش خود به منظور تعیین اعتبار این پرسشنامه بر روی ۳۵۰ دانش آموز دختر دوره راهنمایی در شهر اهواز سال ۸۶ از روش تحلیل عوامل استفاده کردند که عوامل بدست آمده منطبق با خرده مقیاس‌های پرسشنامه بوده و پایایی عوامل مختلف آن بین ۰/۶۵ تا ۰/۹۴ بدست آمد. در پژوهش حاضر از فرم کوتاه بازنگری شده استفاده شده است. این ابزار خودگزارشی شامل ۲۸ سؤال (هرگز= صفر تا همیشه= پنج) می‌باشد که در آن سؤال‌ها با یکدیگر جمع می‌شوند سپس به تعداد تقسیم می‌شوند تا میانگین هر خرده مقیاس محاسبه گردد و از چهار خرده مقیاس (بهره کشی جسمی، بهره کشی کلامی، بهره کشی هیجانی و جنسی) تشکیل شده است. پاسخ‌ها به صورت طیف لیکرتی پنج درجه‌ای نمره گذاری شده، کمترین نمره کسب شده در این مقیاس صفر و بیشترین آن ۱۱۲ می‌باشد که هر چه نمره فرد بیشتر باشد نشان از وجود آسیب بیشتر در او می‌باشد. در پژوهش حاضر به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و برای بهره کشی جسمی ضریب آلفای ۰/۸۹، بهره کشی کلامی ۰/۸۸، بهره کشی هیجانی ۰/۸۹ و بهره کشی جنسی ۰/۸۵ و پایایی کلی این مقیاس ۰/۸۷ بدست آمد. جهت اندازه گیری سبک‌های دلبستگی بزرگسالان از "مقیاس دلبستگی بزرگسال" (Adult Attachment Scale) Hazan & Shaver استفاده شد [۳۳]. این مقیاس در ایران در دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است. مقیاس دارای دو قسمت می‌باشد. قسمت اول سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با ۲۱ عبارت در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (هیچ = ۱؛ کم = ۲؛ متوسط = ۳؛ زیاد = ۴ و خیلی زیاد = ۵) می‌باشد که به هریک از سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا هفت گویه تعلق می‌گیرد. در این پرسشنامه از قسمت اول استفاده شد. برای تعیین نمره هر فرد در هریک از سبک‌های دلبستگی، ارزش‌های عددی گویه‌های مرتبط با هر سطح بایکدیگر جمع و بر ۷ تقسیم می‌شود [۳۴]. بالاترین نمره در این قسمت سبک دلبستگی عمومی فرد را تعیین می‌کند [۳۵]. ضریب آلفای کرنباخ هریک از زیر مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه ۲۴۰ نفر دانشجو برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۲ و ۰/۷۲ بود که نشانه همسانی درونی بالای مقیاس

این متغیر در فرآیند تنظیم هیجانات که نقش عمده‌ای در روابط بین فردی ایفا می‌کند، این مطالعه با هدف تعیین همبستگی بدرفتاری در کودکی با طلاق عاطفی با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان انجام شد.

روش کار

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی می‌باشد. Tabachnick & Fidell [۱۹] فرمولی برای محاسبه اندازه نمونه براساس تعداد متغیرهای پیش بینی ارائه کرده‌اند، $N > 50 + 8m$ (تعداد متغیرهای پیش بین m). بنابراین با توجه به اینکه تعداد متغیرهای پیش بین ما با در نظر گرفتن چهار خرده مقیاس بدرفتاری در کودکی برابر ۸ متغیر می‌باشد که اگر در فرمول فوق جایگزین شود تعداد نمونه بدست آمده برابر ۱۱۴ نفر خواهد بود. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از کلیه افراد متأهل ساکن تهران در سال ۱۳۹۴ و تعداد نمونه آماری ۱۵۰ نفر از افراد متأهل می‌باشند که به صورت هدفمند انتخاب شدند. ملاک‌های لازم جهت ورود شرکت کنندگان به پژوهش عبارتند از اینکه حداقل ۲ سال از ازدواج آن‌ها سپری شده باشد، داشتن تحصیلات حداقل دیپلم، وضعیت اقتصادی متوسط، عدم ابتلا به هرگونه بیماری جسمانی خاص نداشتن سابقه طلاق و سن مشارکت کنندگان بین ۲۵ تا ۴۵ سال در نظر گرفته شده است. بدین دلیل این ملاک‌ها در نظر گرفته شد تا حداقل امکان برخی عوامل دیگر از جمله اقتصادی، سن پایین و غیره که قبلاً در پژوهش‌ها به عنوان عوامل زمینه ساز طلاق بررسی شده بود حذف شوند و بیشتر عوامل روانشناختی مورد بررسی قرار گیرند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش به شرح زیر می‌باشد. ابزار اندازه گیری شامل "پرسشنامه‌های فرم کوتاه طرحواره یانگ" (Young Schema Questionnaire Short Form)، (۷۵ سوالی) بود که توسط Young بر پایه یافته‌های Schmidt و همکاران برای ارزیابی ۱۵ طرحواره ناسازگار ساخته شده است [۲۰]. این ۱۵ طرحواره در درون پنج حیطه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و محدودیت‌های مختل مطابق با حوزه‌های تحولی اولیه قرار گرفته است که در پژوهش حاضر از ۲۵ سؤال آن که طرحواره‌های حیطه بریدگی و طرد را می‌سنجد استفاده شد. هر عبارت بر روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره گذاری می‌شود. نمره بالاتر نشان دهنده وجود طرحواره‌های ناسازگار اولیه است [۲۱، ۲۲]. برای بدست آوردن نمره هر خرده مقیاس در طرحواره ناکارآمد میانگین نمره در هر ۵ سؤال محاسبه می‌گردد. چنانچه میانگین نمره هر خرده مقیاس بالاتر از ۳ باشد آن طرحواره ناکارآمد خواهد بود [۲۲، ۲۳]. هنجاریابی این پرسشنامه در ایران توسط آهی بر روی ۳۸۷ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران انجام شده که ۲۵۲ نفر مؤنث و ۱۳۵ نفر مذکر به شیوه‌های تصادفی چند مرحله‌ای از دانشگاه‌های علامه طباطبائی، شهید بهشتی، تربیت مدرس و علوم تحقیقات انجام شد. همسانی درونی این پرسشنامه با استفاده از کرونباخ در جمعیت مؤنث ۰/۹۷ و در جمعیت مذکر ۰/۹۸ بدست آمد [۲۴، ۲۵]. این پرسشنامه توسط ذوالفقاری و همکاران روی ۷۰ نفر از زوجین اجرا شده است [۲۶، ۲۷]. در پژوهش آن‌ها ضریب همسانی درونی پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای

تنظیم هیجانی و عدم وضوح هیجانی را نشان داد [۴۲، ۴۳]. مطالعات نشان داده‌اند که این ابراز از همسانی درونی بالا و روایی مطلوبی برخوردار می‌باشد. در مطالعه Gratz & Roemer روایی این ابزار مطلوب و پایایی آن ۰/۹۳ گزارش شده است [۴۱]. این پژوهشگران به بررسی پایایی و روایی این مقیاس در نمونه ۴۷۹ نفری از دانشجویان دوره کارشناسی نیز پرداختند. این مقیاس در نمره کل (ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳) و در همه زیرمقیاس‌ها (ضریب آلفا بزرگتر از ۰/۸۰) ثبات درونی خوبی را نشان داد [۴۳]. در ایران میکائیلی منبع پایایی کل پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۷۹ تا ۰/۸۸ گزارش کرده است [۴۴]. آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۸۹ برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری توصیفی و استنباطی، آزمون سوبل، تحلیل مسیر به کمک نرم افزارهای اس پی اس نسخه ۲۴ و لیزرل استفاده شد.

یافته‌ها

از ۱۵۰ نفر شرکت کننده در پژوهش حاضر، ۷۵ نفر مرد و ۷۵ نفر زن بودند. ۳۹ نفر (۲۶ درصد) شرکت کنندگان دارای تحصیلات دیپلم، ۱۴ نفر (۹/۳ درصد) فوق دیپلم، ۶۴ نفر (۴۲/۷ درصد) کارشناسی، ۲۸ نفر (۱۸/۷ درصد) کارشناسی ارشد و ۵ نفر (۳/۳ درصد) دارای تحصیلات دکتری بودند. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین تمامی متغیرهای پژوهش با طلاق عاطفی (طرحواره های ناسازگار، دشواری در تنظیم هیجان، سبک‌های دلبستگی و بد رفتاری در کودکی، جدول ۱ رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. رابطه بین طرحواره های ناسازگار حیطه بریدگی با طلاق عاطفی ($r = 0.558, P < 0.01$)، رابطه بین دشواری در تنظیم هیجانی و طلاق عاطفی ($r = 0.478, P < 0.01$)، رابطه بین سبک دلبستگی نا ایمن و طلاق عاطفی ($r = 0.261, P < 0.01$) و رابطه بد رفتاری در کودکی و طلاق عاطفی ($r = 0.319, P < 0.01$)، بیشترین همبستگی بین طرحواره های ناسازگار و طلاق عاطفی می‌باشد. در ادامه به بررسی الگوی به دست آمده از طریق تحلیل مسیر پرداخته می‌شود. در جدول ۱، ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده و ضرایب استاندارد و غیر استاندارد مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم نیز در جدول ۳ و ۲ اشاره گردیده است.

دلبستگی بزرگسال می‌باشد. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس دلبستگی بزرگسال برای یک نمونه ۳۰ نفری در دو نوبت با فاصله ۲ هفته برای کل آزمودنی‌ها $r = 0.92$ محاسبه شد [۳۶، ۳۷]. روایی محتوایی این مقیاس با سنجش همبستگی بین نمره‌های چهار نفر از متخصصان روان شناسی مورد بررسی قرار گرفت که ضرایب همبستگی از ۰/۷۶ تا ۰/۷۶ برای سبک دلبستگی ایمن، ۰/۶۰ تا ۰/۷۶ برای سبک دلبستگی اجتنابی و از ۰/۶۳ تا ۰/۷۸ برای سبک دلبستگی دوسوگرا بدست آمد که همگی در سطح $0.01 = \alpha$ معنادار هستند [۳۵]. "مقیاس طلاق عاطفی" (Emotional Divorce) در ۲۴ گویه به شکل دو گزینه‌ای به صورت بلی (۱) یا خیر (۰) توسط Gottman تنظیم شده است [۳۸]. پس از جمع کردن پاسخ‌های مثبت، چنانچه تعداد آن برابر هشت و بالاتر باشد، به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق روانی در وی مشهود است. Pourhossein & Bidast در پژوهشی پایایی کل این آزمون را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بدست آمد [۳۹]. روایی صوری این پرسشنامه با نظر متخصصان تأیید گردید. موسوی و همکاران برای بدست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی چهار عامل جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم صحبت و احساس بی حوصلگی و بی قراری را مشخص کرد. مقادیر اشتراک و بار عاملی گویه های مقیاس نشان داد که بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته و دارای بارعاملی قابل قبولی بودند [۴۰].

"مقیاس دشواری در تنظیم هیجان" (Difficulties in Emotion Regulation Scale) این مقیاس یک پرسشنامه ۳۶ سوالی است که به وسیله Gratz & Roemer ساخته شده است و تفاوت‌های معنادار بالینی در تنظیم هیجانی را اندازه گیری می‌کند [۴۱]. حداقل نمره ۳۶ و حداکثر ۱۸۰ خواهد بود. نمرات بالاتر به معنای دشواری بیشتر در تنظیم هیجانی می‌باشد. به نقل از عزیزی و همکاران [۴۲]. تحلیل عاملی وجود ۶ عامل عدن پذیرش پاسخ‌های هیجانی، دشواری در انجام رفتار هدفمند، دشواری در کنترل تکانه، فقدان آگاهی هیجانی، دسترسی محدود به راهبردهای

جدول ۱: ضرایب همبستگی بین متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار، بد رفتاری در کودکی، دشواری در تنظیم هیجان و سبک‌های دلبستگی با طلاق عاطفی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱. طرحواره‌های ناسازگار	۱				
۲. دشواری در تنظیم هیجان	**۰/۵۳۴	۱			
۳. سبک دلبستگی نا ایمن	**۰/۴۳۳	**۰/۴۲۱	۱		
۴. بد رفتاری در کودکی	**۰/۳۹۴	**۰/۲۸۸	**۰/۳۱۶	۱	
۵. طلاق عاطفی	**۰/۵۵۸	**۰/۴۷۸	**۰/۲۶۱	**۰/۳۱۹	۱

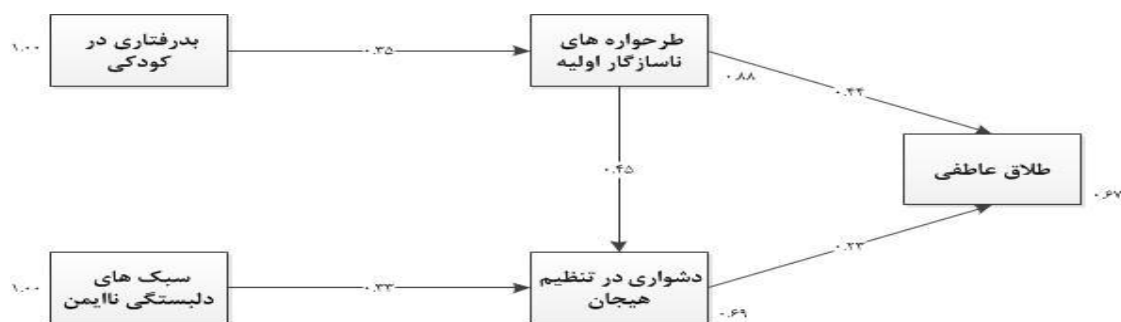
** $P < 0.05$

جدول ۲: ضرایب استاندارد مسیرهای مستقیم

مسیرها	B	t	P
بد رفتاری بر روی طرحواره ناسازگار	۰/۳۵	۴/۰۴	۰/۰۰۱
طرحواره ناسازگار بر روی دشواری در تنظیم هیجان	۰/۴۵	۵/۸۷	۰/۰۰۱
دشواری در تنظیم هیجان بر روی طلاق عاطفی	۰/۲۳	۲/۷۱	۰/۰۲
دلبستگی نا ایمن بر روی دشواری در تنظیم هیجان	۰/۳۳	۴/۴۲	۰/۰۰۱

جدول ۳: ضرایب استاندارد مسیرهای غیر مستقیم

مسیرها	B	Zsobel	P
بد رفتاری بر روی دشواری در تنظیم هیجان با نقش واسطه‌ای طرحواره ناسازگار	۰/۱۷۵	۳/۲۱	۰/۰۰۱
بدرفتاری بر روی طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای طرحواره ناسازگار	۰/۱۵۴	۳/۳۸	۰/۰۰۰۷
طرحواره ناسازگار بر روی طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای دشواری در تنظیم هیجان	۰/۱۱	۲/۴۳	۰/۰۱
دل‌بستگی ناایمن بر روی طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای دشواری در تنظیم هیجان	۰/۰۸	۲/۳۱	۰/۰۲



تصویر ۱: تحلیل مسیر روابط بد رفتاری در کودکی، طر حواره های ناسازگار، سبک دلیستگي، نا ایمن، دشواری در تنظیم هیجان و طلاق عاطفی

جدول ۴: شاخص‌های نیکویی برازش مدل نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک دلبستگی ناایمن و دشواری در تنظیم هیجان در ارتباط بین بدرفتاری در کودکی با طلاق عاطفی

شاخص	χ^2	df	P value	RMSEA	GFI	CFI	NFI	SRME
مقدار	9/0.5	5	0/4450	0/034	0/96	0/96	0/96	0/07

کمتر از ۲ است و هر قدر به صفر نزدیکتر باشد بهتر است که در اینجا نیز نسبت χ^2 دو یعنی ۹/۰۵ تقسیم بر درجه آزادی یعنی (df = ۵) یعنی ۱/۸۱ کمتر از ۲ می‌باشد. ریشهٔ خطای میانگین مجزورات تقریب (RMSEA) برای الگو ۰/۰۳۴ است. این شاخص برای مدل‌های خوب، کمتر از ۰/۰۵ و برای مدل‌های ضعیف، بزرگ‌تر از ۰/۱۰ است و لذا برای مدل حاضر قابل قبول است. شاخص نیکویی برازش تعدیل شده مدل‌های خوب بالاتر از ۰/۹۶ هستند. همانطور که در [جدول ۴](#) دیده می‌شود، همهٔ این شاخص‌ها نیز حاکی از برازش مدل هستند (۰/۹۹ = AGFI, ۰/۹۶ = CFI, ۰/۹۶ = NFI). سایر شاخص‌ها (RFI, GFI, NNFI, NFI) هر قدر به ۱ نزدیک‌تر باشند بهتر است که این ملاک‌ها نیز در پژوهش حاضر همگی برآورده شده‌اند.

بحث

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای سبک دلبستگی ناایمن، طرحواره‌های ناسازگار و دشواری در تنظیم هیجان در ارتباط با بدر رفتاری در کودکی و طلاق عاطفی بود. نتایج تحلیل مسیر حاکی از این بود که بدر رفتاری در کودکی به طور مستقیم با متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار و به طور غیر مستقیم و به واسطه طرحواره‌های ناسازگار با طلاق عاطفی رابطه دارد. این مطالعه با مطالعات پیشین از سوی Calvete [۴۵]، Motley [۴۶]، طاهر و همکاران [۴۷] و فرازمند [۴۸] همسو می‌باشد. بنابراین، چنین می‌توان تبیین نمود که تجربه بدر رفتاری عاطفی در دوران کودکی از طریق شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه که ساختارهای شناختی انعطاف‌ناپذیر و افراطی بوده و باعث سوءگیری منفی در تفسیر اطلاعات شناختی و هیجانی می‌شوند،

همانطور که در دیاگرام ۱ مشاهده می‌شود مدلی که بهترین برازش را با داده‌ها فراهم کرده است مدلی است که در آن بد رفتاری در کودکی به طور مستقیم با طرحواره‌های حیطه بریدگی و طرد ($P < 0/01$, $B = 0/35$, $t = 4/04$), طرحواره‌ها به طور مستقیم با طلاق عاطفی ($P < 0/01$, $t = 5/29$, $B = 0/33$, $t = 4/42$)، طرحواره با دشواری در تنظیم هیجان ($P < 0/01$, $B = 0/45$, $t = 5/87$) و دشواری در تنظیم هیجان با طلاق عاطفی ($P < 0/01$, $B = 0/23$, $t = 2/71$) ارتباط مستقیم و معنی‌داری دارند. به علاوه تأثیر بد رفتاری بر روی دشواری در تنظیم هیجان با نقش واسطه‌ای طرحواره ناسازگار ($P < 0/01$, $Zsobel = 3/21$, $B = 0/175$)، تأثیر طرحواره ناسازگار بر روی طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای دشواری در تنظیم هیجان ($P < 0/01$, $Zsobel = 2/43$, $B = 0/11$) تأثیر بد رفتاری بر روی طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای طرحواره ناسازگار ($P < 0/01$, $Zsobel = 3/38$)، تأثیر دلبستگی ناپایمن بر روی طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای دشواری در تنظیم هیجان ($P < 0/02$, $Zsobel = 2/31$, $B = 0/08$) همگی معنی‌دار می‌باشند که نشان از نقش واسطه‌ای متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار و دشواری در تنظیم هیجان در ارتباط بین بد رفتاری در کودکی و طلاق عاطفی می‌باشد. همچنین همانطور که در مدل برازش شده دیده می‌شود بد رفتاری در کودکی تأثیر معنی‌داری بر روی سبک دلبستگی ناایمن ندارد و این مسیر در مدل برازش شده حذف شد. در جدول ۱ شاخص‌های نیکویی برازش مدل آورده شده است.

شاخص‌های نیکویی برازش الگو نشان می‌دهد که مقدار χ^2 دو با توجه به درجه آزادی معنی دار نیست، لذا الگوی پیشنهادی پژوهشگر با داده‌ها برازش دارد. نسبت χ^2 دو بر درجه آزادی در الگوهای با کفایت

می‌توانند آشفته‌گی روانی در بزرگسالی را پیش‌بینی کنند و زمینه‌ساز روابط عاطفی ناپایدار و سرد در بین زوجین شوند. از بررسی‌های به عمل آمده چنین بدست آمد که بین بدرفتاری در کودکی و دشواری در تنظیم هیجان با نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه مثبت وجود دارد. Krause و همکاران نیز بیان می‌دارند که بدرفتاری‌های دوران کودکی با ایجاد راهبردهای نامناسب تنظیم هیجان مانند، بازداری عاطفی یا اجتناب برای مقابله با تجارب هیجانی منفی زمینه را برای اختلال در تنظیم هیجانات فرد فراهم می‌سازد [۴۹، ۵۰].

با این وجود علاوه بر راهبردهای مقابله‌ای فرد، فقدان جنبه‌های تنظیم هیجان مانند ادراک حسی نیز در عدم مدیریت هیجانات مؤثر می‌باشد. یکی از تبیین‌های احتمالی درباره رابطه بین بدرفتاری در کودکی با بدتنظیمی هیجانی این است که تجربه‌های آسیب‌زا، شکل‌گیری توانایی‌های بازشناسی و برچسب زنی به حالات هیجانی را شدیداً به تأخیر می‌اندازد و روند طبیعی اکتساب این دو توانایی را مختل می‌کند. توانایی مشخص کردن و توصیف هیجان‌ها، ابزاری ضروری برای پردازش تجربه‌های هیجانی و منسجم‌سازی و تلفیق کردن این تجربه‌ها به درون زندگی روزمره به حساب می‌آید. وقتی کودکان در معرض آسیب قرار می‌گیرند ممکن است از توانایی ناقص خود برای تنظیم هیجان استفاده نمایند. مثلاً زمانی که حالت چهره فردی به آسانی قابل تشخیص نیست یا برای دیگران مبهم است بعضی کودکان تمایل دارند که این حالت را به عنوان عصبانیت تفسیر کنند [۵۱]. علاوه بر این بدرفتاری روان شناختی در دوران کودکی با تأثیر منفی بر درک روشن و واضح فرد از هیجانات خود و تجربه آن‌ها منجر به عدم تنظیم هیجانی می‌گردد (۵۰). لذا چنین می‌توان تبیین نمود که ادامه این ناتوانی بازشناسی و برچسب زنی هیجانات یا عدم تنظیم هیجانی مناسب با موقعیت که از بدرفتاری در کودکی نشأت گرفته است می‌تواند در روابط زناشویی مشکل ایجاد کرده و زمینه‌های طلاق عاطفی را فراهم آورد. همانطور که نتایج نشان داد بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و طلاق عاطفی نیز ارتباط مستقیم وجود دارد و این نتایج در راستای سایر پژوهش‌های صرت گرفته از سوی لعل زاده و همکاران [۳] می‌باشد. پژوهش دیگری نشان داد بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی و صمیمیت زناشویی رابطه منفی وجود دارد [۲۶]. طرحواره‌های ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسان هستند که حاصل برآورده نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجودآمده‌اند و در سیر زندگی تکرار می‌شوند [۱۰، ۵۲، ۵۳] معتقد است برخی از طرحواره‌ها به ویژه آن‌ها که عمدتاً در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی شکل می‌گیرند، ممکن است هسته اصلی اختلالات شخصیت، مشکلات منش شناختی خفیف‌تر و بسیاری از اختلالات مزمن محور ۵ قرار بگیرند. طرحواره‌های ناسازگار بر نحوه تعبیر و تفسیر تجارب و رابطه با دیگران تأثیر می‌گذارند، از آنجاییکه طرحواره‌های ناسازگار ناکارآمدند، نارضایتی و عدم صمیمیت در روابط زناشویی را در پی دارند و زمینه را برای جدایی فراهم می‌کنند و به همین خاطر است که طلاق عاطفی ایجاد می‌شود [۳]. از نظر Young و همکاران [۱۰] افرادی که دارای طرحواره بریدگی و طرد می‌باشند به لحاظ هیجانی بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی‌اند (رها شدگی/بی‌ثباتی) و یا احساس

می‌کنند که دیگران به آنها ضربه می‌زنند (بی‌اعتمادی/بدرفتاری) و یا اینکه قادر به خود افشایی و در میان گذاشتن احساساتشان با دیگران نیستند و احساس می‌کنند تمایلات و نیازهایشان به لحاظ عاطفی از جانب دیگران ارضاء نمی‌شود (محرومیت هیجانی) و یا دارای احساس بی‌ارزش و حقیر بودن کرده و حساسیت بیش از حد نسبت به انتقاد، سرزنش داشته (نقص/شرم) و یا دچار انزوا و کناره‌گیری از دیگران می‌شوند (انزوای اجتماعی/بیگانگی). افرادی که دارای چنین طرح‌واره‌های ناسازگاری هستند، نمی‌توانند دلبستگی ایمن و رضایت بخشی با دیگران ایفا کنند و براین باورند نیاز آن‌ها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد [۳، ۱۰]. از دیگر نتایج پژوهش حاضر رابطه بین سبک‌های دلبستگی نا ایمن (ترکیب اضطرابی و اجتنابی) با طلاق عاطفی با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای دشواری در تنظیم هیجانی می‌باشد. جدایی‌های اولیه از والدین و ایجاد سبک‌های دلبستگی نا ایمن مسیر را برای بدتنظیمی هیجانی در افراد می‌کند [۵۴]. بنابراین، سبک‌های دلبستگی به تنهایی منجر به طلاق عاطفی نمی‌شوند بلکه زمینه‌ساز بدتنظیمی هیجانی شده و فردی که در روابط بین فردی قادر به تنظیم هیجانات خود نباشد در زندگی زناشویی مستعد طلاق عاطفی خواهد شد. مطابق با مطالعات صورت گرفته، کسانی که از دلبستگی ایمن برخوردارند، سبک‌های تنظیم هیجان‌های سازش یافته داشته و در ارتباطات بین فردی از همدلی برخوردارند و آشفته‌گی فردی ناچیزی در آن‌ها دیده می‌شود، در مقابل کسانی که از سبک دلبستگی نا ایمن برخوردارند از سبک‌های تنظیم هیجانی سازش نایافته بهره‌مندند، دچار ذهنی آشفته، دچار ناتوانی هیجانی و کم بهره از همدلی می‌باشند.

نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان دادند که بدرفتاری در کودکی به طور مستقیم با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و به طور غیر مستقیم با طلاق عاطفی به واسطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان رابطه دارد. بدرفتاری در کودکی موجب شکل‌گیری دلبستگی نا ایمن و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان که نقش مؤثری در تخریب روابط بین فردی دارند، می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاه‌های آموزشی از طریق مسولان بهداشت روانی و برنامه‌های آموزشی مرتبط به خانواده‌ها در مورد نحوه رفتار با کودک و فرزندپروری، از بروز ارتباطات ناسالم بین فردی و نارضایتی زناشویی در آینده پیشگیری بعمل آورد. از محدودیت‌های پژوهش این است که روش نمونه‌گیری در دسترس بود لذا در تعمیم نتایج آن به سایر گروه‌ها باید احتیاط بعمل آورد.

سپاسگزاری

این مقاله، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد اکرم السادات علوی لوانسانی با کدپژوهشی ۱۳۳۲۰۷۰۳۹۴۲۰۰۹ شورای ۹۴/۱۰ تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۸ از دانشگاه تحصیلات تکمیلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین بود که با راهنمایی جناب آقای دکتر محسن احمدی‌طهر سلطان‌ی انجام گردید، جا دارد که از همکاری صمیمانه کلیه شرکت‌کنندگان در پژوهش تقدیر و تشکر به عمل آید.

References

1. Ezazi S. Family Sociology. 2nd ed. Tehran: Roshangaran & Motale Zanan; 2008.
2. Parvin S, Davoodi M, Mohammadi F. Sociological factors affecting emotional divorce among families in Tehran. *Q Wome's Strateg Stud*. 2012;14(56):120-53.
3. Lalzadeh E, Asghari Ebrahimabad M, Hesar Sorkhi R. [Investigating the role of early maladaptive schemas in predicting emotional divorce]. *J Clin Psychol*. 2015;7(2):45-59.
4. Lali M. [A survey on the relationship between the history of child abuse and depression in adolescents referred to counseling centers in Isfahan]. *Psychol Stud Alzahra Univ*. 2008;5(4):12-26.
5. Papi N. [The relationship between mindfulness and marital satisfaction with mediating role of anxious and avoidant attachments related to married women and men in Andimeshk]. Ahvaz, Iran: Shahid Chamran University; 2013.
6. Peyvastegar M, Khosravi Z, Karami E. [Relationship between early maladaptive schemas and attachment styles with male violence against their wives]. *J Psychol Stud Alzahra Univ*. 2016;12(1):10-25.
7. Ejtemaei Sangari N, Salimiyanrizi M. The mediating effect of attachment styles in relationship with emotional divorce and anxiety symptoms and depression in married women. *Contemp Psychol*. 2013(1):29-33.
8. Shalalvand E. [Investigating the role of attachment styles and early maladaptive scales in the criteria for the selection of female students in Kermanshah University of Mashhad]. Teran: Allameh Tabatabaei University; 2012.
9. Williams JE, Bergen D. Sex stereotypes in the United States: Sage Publications, Inc; 1982.
10. Young J, Klosko J, Weishaar M. [Schema therapy]. Tehran: Arjmand Publications; 2014.
11. Hofmann SG, Kashdan TB. The Affective Style Questionnaire: Development and Psychometric Properties. *J Psychopathol Behav Assess*. 2010;32(2):255-63. DOI: [10.1007/s10862-009-9142-4](https://doi.org/10.1007/s10862-009-9142-4) PMID: [20495674](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/20495674/)
12. Hawang J. A processing model of emotion regulation in sights from the attachment system. Georgia Georgia State University; 2006.
13. Massey M. Early Childhood Violence Prevention 1998 [cited 2015]. Available from: www.ericecece.org.
14. Hildyard KL, Wolfe DA. Child neglect: developmental issues and outcomes. *Child Abuse Negl*. 2002;26(6-7):679-95. PMID: [12201162](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/12201162/)
15. Hashemi A. [The relationship between neuro-behavioral system and difficulties in emotion regulation with State-Trait Anxiety]. *Fac Liter Hum Sci*. 2013.
16. Mohammadi T, Mazaheri M, Heydari M. [Autobiographical memory and early schemas of abused children: Prediction of quality of life]. *J Iranian Psychol*. 2014;11(41):19-30.
17. Azadbakht R, Vakili P. [Relationship between early maladaptive schemas and women's marital satisfaction]. *J Educ Psychol*. 2013;4(3):11-8.
18. Heydari A, Eqbal F. [The relationship between difficulty in emotional regulation, attachment styles and intimacy with marital satisfaction in couples of Ahwaz steel industry]. *J Soc Psychol*. 2010;5(15):115-34.
19. Richards SL, Mores CN, Lord CC, Tabachnick WJ. Impact of extrinsic incubation temperature and virus exposure on vector competence of *Culex pipiens quinquefasciatus* Say (Diptera: Culicidae) for West Nile virus. *Vector Borne Zoonotic Dis*. 2007;7(4):629-36. DOI: [10.1089/vbz.2007.0101](https://doi.org/10.1089/vbz.2007.0101) PMID: [18021028](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/18021028/)
20. Schmidt NB, Joiner TE, Young JE, Telch MJ. The schema questionnaire: Investigation of psychometric properties and the hierarchical structure of a measure of maladaptive schemas. *Cogn Ther Res*. 1995;19(3):295-321. DOI: [10.1007/bf02230402](https://doi.org/10.1007/bf02230402)
21. Navaei J, Mohammadi Arya A. Association between the early maladaptive schemas and extra marital relationship among married people. *Iranian J Psychiatr Nurs*. 2014;4(12):18-27.
22. Lotfi R, Donyavi V, Khosravi Z. Comparison of early maladaptive schemas between personality disorder (cluster B) and normal subjects. *Annals Mil Health Sci Res*. 2007;5(2):1261-6.
23. Karami E. [The study and comparison of early maladaptive schemas and attachment styles in men committing high level of violence against their wives]. Tehran: Alzahra University; 2012.
24. Ahi G, Mohammadifar M, Besharat M. [Reliability and validity of the short form of the Young Schema Questionnaire]. *J Psychol Educ Sci*. 2007;3(3):5-20.
25. Makarytash R. [The relationship between early maladaptive schemas and coping style in university students of pakdasht payamnour]. Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch; 2014.
26. Zolfaghari M, Fatehi-Zadeh M, Abrdi M. Determining relationships between early maladaptive schemas and marital intimacy among Mobarakeh Steel Complex personnel. *J Fam Res*. 2008;4(3):261-47.
27. Yousefi R, Abedin A, Tirgari A, Fathabadi J. Effectiveness of educational intervention based on model of schemas on improving of marital satisfaction. *J Clin Psychol*. 2011;3(7):25-37.
28. Divandari H, Ahi G, Akbari H, Mahdian H. The short form of Young Schema Questionnaire(SQ_SF), investigation of psychometric propertiesand factor structure among students of Islamic Azad University, Kashmar Branch in 2006-2007. *J Educ Res*. 2009;5(20):103-33.

29. Morshedi Lahvasti S. [The relationship between cognitive maladaptive schemas and family practice with attitude towards the death of drug dependent individuals]. Tehran: Islamic Azad University, Marvdasht Branch; 2013.
30. Bernstein DP, Fink L, Handelsman L, Foote J, Lovejoy M, Wenzel K, et al. Initial reliability and validity of a new retrospective measure of child abuse and neglect. *Am J Psychiatry*. 1994;151(8):1132-6. DOI: [10.1176/ajp.151.8.1132](https://doi.org/10.1176/ajp.151.8.1132) PMID: [8037246](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/8037246/)
31. Mikaeili N, Zamanlou K. The study of the prevalence of child abuse and its prediction from parents' depression and anxiety, and their teenage boys' attachment styles and mental health. *Q Psychol Except Individ*. 2011;2(5):146-66.
32. Shanni Yeilagh M, Mikaeili N, Shokrkon H. [Prevalence of child abuse and prediction of this variable through general health of parents, adaptability, self-esteem and student's academic performance and demographic variables in harried and normal girl students in guidance school of Ahvaz]. *J Educ Sci Psychol*. 2007;14(1):167-94.
33. Hazan C, Shaver P. Romantic love conceptualized as an attachment process. *J Pers Soc Psychol*. 1987;52(3):511-24. PMID: [3572722](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/3572722/)
34. Sharif S. [The relationship between attachment style, personality dimensions and test anxiety among Shiraz high school students]. Shiraz Shiraz University; 2011.
35. Pajouheshinia S. [Explanation of psychological vulnerability based on the attachment styles in students of mixed-state university in Tehran]. Tehran: Alzahra University; 2009.
36. Besharat M, Golinezhad M, Ahmadi A. [Investigating the relationship between attachment styles and interpersonal problems]. *J Psychiat Clin Psychol Iran*. 2003;8(4):74-81.
37. Afrouz G, Kakabaraei K, Seydi M, Ghanbari N, Momeni K. The relationship between attachment styles and the way of anger management and general health. *J Thought Behav Clin Psychol*. 2011;5(18):88-95.
38. Gottman J. [Why marriages succeed or fail]. Tehran: Khojasteh publication; 2010.
39. Pourhossein R, Bidast F. [Estimation of emotional divorce test verification]. *Rooyesh-e -Ravanshenasi*. 2014(8):27-38.
40. Mousavi S, Rahiminezhad A. [The comparison of inter personal identity statuses in married people with regard to emotional divorce]. *Appl Psychol Res Q*. 2015;6(1):11-23.
41. Gratz KL, Roemer L. Multidimensional Assessment of Emotion Regulation and Dysregulation: Development, Factor Structure, and Initial Validation of the Difficulties in Emotion Regulation Scale. *J Psychopathol Behav Asses*. 2004;26(1):41-54. DOI: [10.1023/b:joba.0000007455.08539.94](https://doi.org/10.1023/b:joba.0000007455.08539.94)
42. Shams J, Azizi A, Mirzaei A. Correlation between distress tolerance and emotional regulation with students smoking dependence. *Hakim Res J*. 2010;13(1):11-8.
43. Soltanmohammadlou S, Gharaei B, Fathlai Lavasani F, Gohari M. Investigation of relationship between behavioral activation systems and behavioral inhibition ,difficulties in emotion regulation and metacognition with worry. *J Cogn Behav Res*. 2012;3(2):85-100.
44. Mikaeili Manee F. [Comparison of emotion dys regulation in individuals with high-risk sexual behaviors and normal people]. *J Mazandaran Univ Med Sci*. 2013;23(109):206-14.
45. Calvete E. Emotional abuse as a predictor of early maladaptive schemas in adolescents: contributions to the development of depressive and social anxiety symptoms. *Child Abuse Negl*. 2014;38(4):735-46. DOI: [10.1016/j.chiabu.2013.10.014](https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2013.10.014) PMID: [24252743](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/24252743/)
46. Motley LS. Childhood sexual assault, schemas, and revictimization: The role of early maladaptive schemas on revictimization. San Bernardino: California State University; 2016.
47. Taher M, Taher M, Khanzadeh H, Mojarad A. [An analytical studyof noncompliant schemasin abused children]. *J Ment Health Child*. 2016;3(1):25-46.
48. Farazmand S. [Child emotional maltreatment and later psychological distress among college student]. Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Science; 2015.
49. Krause ED, Mendelson T, Lynch TR. Childhood emotional invalidation and adult psychological distress: the mediating role of emotional inhibition. *Child Abuse Negl*. 2003;27(2):199-213. PMID: [12615094](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/12615094/)
50. Mohamadpour S, Nazari H, Farhadi A. Predicting Depression Symptoms Following Childhood Psychological Maltreatment: The Mediating Role of Early Maladaptive Schemas and Difficulties in Emotion Regulation. *J Mazandaran Univ Med Sci*. 2016;26(136):85-98.
51. Alilou M, Hashemi T, Beirami M, Bakhshipoor A, Sharifi M. Investigation of relationship between childhood abuse, early separation, difficulties in emotion regulation and borerline personality disorder. *J Psychol Achieve*. 2013;21(2):65-88.
52. Young J. *Cognitive Therapy for Personality Disorders*. Sarasota: Professional Resources Press; 1990.
53. Young J. *Cognitive therapy for personality disorders: A schema_focused approach (Revised Edition)*. Sarasota: Professional Resources Press; 1999.
54. Lahti M. *Early life origins of severe personality disorders: The Helsinki birth cohort study*. Finland: Institute of Behavioral Sciences, University of Helsinki; 2016.